

شبان

مؤسسه «تعلیم» تقدیم می‌کند: TALIM Ministries

مجله شبان

شماره ۲۶، سال پنجم، آوریل ۲۰۰۴
مجله دو-ماهه مخصوص شبانان و خادمین،
به منظور تشویق، تعلیم، و تجهیز ایشان.

قدرت بخشش کتاب مقدسی

بخش چهارم و آخر از کشیش تَت استیو آرت

می‌بخشد، گناهانمان را از مقابل دیدگان خود دور می‌سازد.

مزمور نگار فریادشادی سر داده می‌نویسد:

«به اندازه‌ای که مشرق از مغرب دور است، به همان اندازه گناهان ما را از ما دور کرده است»

(مزمور ۱۰۳: ۱۲). پطرس رسول به هنگام

موعظه‌اش فرمود: «توبه و بازگشت کنید تا گناهان

شما محو گردد و تا اوقات استراحت از حضور

خداوند فرابرسد» (اعمال ۳: ۱۹). در اینجا گفته

می‌شود که توبه سبب محو شدن گناهانمان

می‌شود؛ یعنی اینکه خدا دیگر آنها را نمی‌بیند و

چنین اعتمادی برای روح ما آرامی به ارمان

می‌آورد. چه آسودگی خاطری می‌توانیم داشته

باشیم وقتی که به گناهان خود به حضور خدا

اعتراف می‌کنیم زیرا می‌دانیم که به محض اینکه

گناهان ما را بخشید، دیگر راجع به آن با دیگران

سخن نمی‌گوید! اما سؤال این است که با

بخورداری از چنین تجربه شیرینی، چرا هنوز در

باره خطاهایی که دیگران در حق ما کرده‌اند، سخن

می‌گوییم، چنانچه واقعاً ایشان را بخشیده باشیم؟

برای این، فقط یک پاسخ متصور است و آن اینکه

هنوز می‌کوشیم ایشان را تنبیه کنیم. وقتی

می‌کوشیم دیگران را به خاطر خطایی که نسبت به

ما مکرر تکبش شده‌اند تنبیه کنیم،

(۱۲ ص ۱۲)

خدمات بسیاری بوده‌ام که علتش همین روحیه

عدم بخشایش بوده، و سخنان و رفتارهای حاکی

از انتقام که به دنبال آن می‌آید. من و اعطانی را

دیده‌ام که در مورد محبت مسیح و بخشایش

موعظه می‌کنند، اما در مورد دیگران فریاد نفرت

سرمی‌دهند و برادر و خواهر خود را تحقیر

می‌کنند، زیرا گرفتار روح عدم بخشایش

می‌باشند. شاید در مورد بخشایش موعظه کنید و

با تمام قلب خود باور داشته باشید که این امری

است الهی؛ اما آیا مطمئنید که آنانی را که شما را

ناسزا گفته‌اند و دلتان را جریحه دار ساخته‌اند

بخشیده‌اید؟ در این آخرین بخش از موضوع مهم

قدرت بخشش کتاب مقدسی، می‌خواهم آن

«شواهد کتاب مقدسی» را با شما در میان بگذارم

که نشان می‌دهند از روحیه عدم بخشایش آزاد

شده‌اید.

۱- بخشایش واقعی ما را از نیاز به

سخن گفتن در باره چگونگی جریحه‌دار

شدن از سوی دیگران آزاد می‌سازد.

بارها شنیده‌ایم که شخص می‌گوید که فلان

کس را بخشیده‌است، اما از صحبت کردن در باره

او باز نمی‌ایستد. وقتی در باره این می‌اندیشیم که

خدا چگونه ما را بخشیده‌است، پی می‌بریم که

یکی از حقایق مهم این است که وقتی خدا ما را

آن سال، زمستان زودتر از سالهای قبل به

آلاسکا رسید. قشر ضخیمی از یخ سطح دریا را

فراگرفت و آن را برای نهنگها (بالین‌ها) تبدیل به

قبری ساخت که می‌بایست در اثر خفگی در آن

زنده به گور شوند خوشبختانه چند ماهیگیر متوجه

موضوع شدند و به سرعت سوراخی در یخ ایجاد

کردند تا این پستانداران عظیم‌الجثه بتوانند برای

تنفس به سطح آب بیایند. نهنگها به هوای آزاد

دسترسی یافتند و آزاد شدند.

مسیحیان نهنگ‌وار!

مسیحیانی که قلبی نابخشنده دارند، بسیار

شبیه آن نهنگانی هستند که بدون هوا در زیر یخ

گیر افتاده بودند، زیرا ایشان وقتی تصمیم

می‌گیرند که آنانی را که دلشان را جریحه‌دار

ساخته‌اند نبخشند، مانند آن نهنگها از هوای تازه

روح خدا محرومی شوند و به تدریج خود را از

نظر روحانی می‌کشند. چنین مسیحیانی مسح روح

خدا را از دست می‌دهند و به شهادت خود در

مورد جلال مسیح لطمه وارد می‌کنند. در نقطه

مقابل مسیحیانی که روح بخشایش دارند، مانند

نهنگانی هستند که سوراخهای ضروری برای

تنفس را در یخ می‌یابند و از هوای آزاد بهره

می‌برند. چنین مسیحیانی در مسیر آزادی روحانی

گام برمی‌دارند. من شاهد ویرانی کلیساها و

(ص ۱ ❀)

بار دیگر مرتکب گناه می شویم، چرا که کلام خدا با قاطعیت فرموده است: «ای محبوبان، انتقام خود را مکشید، بلکه خشم را مهلت دهید، زیرا مکتوب است خداوند می گوید که انتقام از آن من است، من جزا خواهم داد» (رومان ۱۲: ۱۹).

۲- بخشایش واقعی را از این حقیقت می توان باز شناخت که آنانی که بخشیده ایم، احساس خواهند کرد که مورد پذیرش و محبت قرار دارند و دیگر نیازی نیست هراسان باشند.

«در محبت ترس نیست، بلکه محبت کامل ترس را بیرون می راند؛ زیرا ترس از مکافات سرچشمه می گیرد و کسی که می ترسد، در محبت به کمال نرسیده است» (اول یوحنا ۴: ۱۸، ترجمه هزاره نو). اخیراً با شادی در یافتیم که برادری که او را رنجانده بودم، از سوی خدا هدایت شده که مرا ببخشد. آنچه که این بخشایش را واقعی تر ساخت، این بود که همراه با اعطای بخشایش، محبتش را نیز نثار من کرد. هرگز فراموش نخواهم کرد که چگونه مرا در آغوش گرفت و این کارش، باعث شد که هر ترسی از دلم رخت بر بندد. اگر آنانی که ادعا دارند ببخشیده اید، از شما دوری می کنند یا در حضور شما احساس ناراحتی می کنند، شاید لازم باشد بیشتر تلاش کنید که به ایشان نشان دهید که برآستی آنان رلیخشیده اید.

۳- بخشایش واقعی مشتاق است که طرفه مقابل از احساس خطا آزاد شود.

گاهی خواهیم به او بفهمانیم که گرچه او را بخشیده ایم، اما هنوز می خواهیم که دچار عذاب

و جدان باشد. در ما میل غریبی وجود دارد به اینکه ببینیم طرف مقابل به واسطه عذاب و جدان تنبیه می شود. وقتی از خدا آمرزش را دریافت می کنیم، او می خواهد که ما از احساس گناه و عذاب و جدان آزاد باشیم. همین روحیه را در یوسف می بینیم؛ او برادرانش را به خاطر اینکه او را به بردگی فروخته بودند، بخشید. «و حال، رنجیده مشوید و مُغیّر نگردید که مرابدینجا فروختید، زیرا خدا مرا پیش روی شما فرستاد تا نفوس رازنده نگاه دارد» (پیدایش ۴۵: ۵). یوسف، این مرد خدا، قادر بود ببخشد همانگونه که خودش بخشیده شده بود؛ او تصویر بزرگتری را می دید که در آن، خدا دست اندر کار بود؛ او می خواست برادرانش نیز آرامش الهی را تجربه کنند.

۴- وقتی دیگران را به شیوه الهی می بخشیم، مشتاق می شویم که ایشان را از تحقیر شدن و شرمسار گشتن محافظت کنیم.

برای این منظور، ایشان را به خاطر کاری که کرده اند، به باد تمسخر نمی گیریم. در اکثر اوقات، اصلاً دیگر موضوع را به روی ایشان نمی آوریم؛ فقط ایشان را می بخشیم. فکر می کنم یکی از بهترین نمونه ها در این زمینه، دکتر ویلیام میلر باشد که بیش از چهل سال در ایران مشغول خدمت خداوند بود. او یک کت نظامی داشت که برادرش به او داده بود. یک روز این کت ناپدید شد و این امر باعث پشیمانی خاطر او گشت. سپس دانست که کت را دزدیده اند. روزی او در خانه دوست نزدیکی میهمان بود که دید آن کت به دیوار او ریخته است. دکتر میلر دوستش را به خاطر دزدیدن آن کت بخشید و هرگز موضوع را به

روی او نیاورد و به این ترتیب، آبروی او را نبرد. او دوستی دوستانه را بیش از کتش ارج نهاد و بر آن شد که نقش روح القدس را بازی نکند و داوری را به خدا بسپارد. گویا دکتر میلر کلام خدا را به خوبی می دانست کمی فرماید: «هر یک دیگری را بیشتر از خود اکرام نماید» (رومان ۱۲: ۱۰).

۵- آخرین نشانه بخشایش واقعی، دعا برای طلب برکت الهی برای آنانی است که ما را آزرده اند.

عیسی نمی توانست این را روشنتر از این بیان کند وقتی که فرمود: «اما من به شما می گویم که دشمنان خود را محبت نمایند... و به هر که به شما فحش دهد و جفارساند، دعای خیر کنید» (متی ۵: ۴۴). چقدر ساده است که دعا بکنیم و بگوییم: «خداوند، به او درسی بده» یا «خدا یا بگذار آنچه را که کاشته، درو کند». اما آن گاه که برای خطاکاران خود دعای خیر می کنیم، طبق خواسته خداوند ما عمل می کنیم. آری، ما از خدا می طلبیم که همسری و فایمان، یا والدین نامهربانمان، یا رهبر کلیسایمان را کمزنگی مان را از هم پاشیده، برکت دهد. ما این واکنش الهی را در استیفان مشاهده می کنیم، آن گاه که چون سنگسار می شد، دعا کرد و گفت: «خداوند، این گناه را بر اینها مگیر» (اعمال ۷: ۶۰).

واقعیت فیض خدا در این جهان، به بارزترین وجه از طریق قدرت بخشایش متجلی می شود. وقتی این پنج خصوصیت در زندگی واقعی ما دیده شود، آیامی توان شک کرد که مسیح در ما ساکن است و قدرتش در کار می باشد؟ ■

رهبری چیست؟

کشیش تَت استیوآرت

«رهبری یعنی نفوذ، یعنی قابلیت شخص به نفوذ در دیگران.»

این جمله را آژولد ساندرز در کتاب «رهبری روحانی» نوشته است. رهبری مسیحی عبارت است از نفوذی که از طریق خصائل مسیح‌گونه و عطایای خدمتی که از سوی روح‌القدس مسح شده، بر دیگران داریم. هدف از رهبری این است که بر قوم خدا اثر بگذاریم تا به اهدافی که خدا برای ایشان و کلیسا دارد دست یابند. موفقیت رهبر در این است که خدمتش منجر به این شود که اشخاص به‌سوی مسیح بیایند و در فیض او رشد کنند طوری که بتوانند خودشان نیز ثمر بیاورند و دیگران را به‌نوبه خود به‌سوی مسیح هدایت کنند. مسأله‌ای که هر رهبر باید به آن پاسخ دهد این است: «چگونه زندگی من می‌تواند نفوذ و تأثیری الهام‌بخش بر دیگران داشته باشد طوری که مسیح جلال یابد؟»

در فصل ۱۷ یوحنا، این افتخار را داریم که دعای شخصی خداوندمان عیسی به پدرش را بشنویم. او در آیه ۶ می‌فرماید: «اسم تو را به آن مردمانی که از جهان به من عطا کردی، ظاهر ساختم.» تصور می‌کنم در آیات ۱ تا ۵، پنج اصل از زندگی عیسی می‌یابیم که دیگران را تحت تأثیر قرار داد تا هدف خدا را در زندگی خود به‌انجام برسانند:

۱- بگذارید دیگران آنقدر به شما نزدیک شوند که مشاهده کنند رابطه شما با پدر از طریق مسیح چگونه است (آیه ۱). عیسی آنقدر به شاگردانش نزدیک بود که ایشان می‌توانستند رابطه او را با پدر ببینند. در کودکی، وقتی در تبریز زندگی می‌کردیم، می‌دیدم که چگونه پدرم به نیازهای درمان مردم رسیدگی می‌کرد و چگونه این کار را با روحیه‌ای مسیحی انجام می‌داد. رابطه شخصی او با مسیح بود که دلسوزی لازم برای بیماران را در او پدید می‌آورد، و مشاهده این تجربه دست اول، بر من نفوذ و تأثیر می‌گذارد.

۲- برای جلال دادن مسیح زندگی کنید. عیسی دعا کرده، فرمود: «پسر خود را جلال بده تا پسر تو را جلال دهد» (آیه ۱). ما باید همچون تلسکوپی عمل کنیم که شیئی را که خیلی دور است، بگیریم و آن را قابل دیدن بسازیم. هدف ما این است که مسیح را برای آنانی که قادر به دیدن او نیستند، قابل دیدن بسازیم. مسیح اعلام داشت که هر که او را دید، پدر را دیده است؛ و اکنون به ما می‌فرماید که هر که ما را ببیند، باید پسر را دیده باشد. وقتی به کلیساهای مختلف سر می‌زنم، از اعضای آن می‌پرسم که چرا به این کلیسای خاص می‌آیند. ☞ ۶۵

مطالب این شماره:

- قدرت بخشش کتاب مقدسی (بخش ۴) (تَت استیوآرت) ص ۱
- رهبری چیست؟ (تَت استیوآرت) ص ۲
- مجموعه ازدواج مسیحی: (بخش ۴) (تَت استیوآرت) ص ۳
- ثمردهی در زندگی و خدمت ما (گ. سولارز) ص ۵
- آیا کتاب مقدس وسیله بشارتی است؟ (آرمان رشدی) ص ۷
- تأملاتی در زمینه انجیل‌ها (آرمان رشدی) ص ۹

مجله شبان

مدیر و سردبیر:

کشیش تَت استیوآرت

دفتر مجله:

TALIM MINISTRIES, Inc.
P.O. BOX 471736
Aurora, Colorado 80047-1736
U.S.A.

Tel: +1-303-873 66 11

Fax: +1-303-873 62 16

tatstewart@compuserve.com

شبانان و خادمینی که این مجله را دریافت می‌دارند، می‌توانند نام و نشانی سایر خادمینی را که این مجله به‌دستشان نمی‌رسد، به دفتر مجله بفرستند تا مجله برای ایشان نیز ارسال گردد.

عادات ازدواج موفق

مجموعه ازدواج مسیحی: بخش چهارم

نوشته کشیش تیت استیو آرت

ازدواج می‌تواند سایه‌ای از آسمان (بهشت) بر روی زمین باشد؛ یا می‌تواند میدان نبردی سخت میان خواسته‌های طرفین باشد و زخمهای عمیقی بر جای بگذارد. ازدواج می‌تواند شادی و احساس ثمربخشی فراوانی به زندگی و خدمت ما بیاورد، یا می‌تواند همچون سرطانی روحانی باشد که تندرستی و شادی‌مان را تحلیل ببرد. اکثر زوج‌هایی که در مقابل محراب می‌ایستند و نسبت به خدا و به یکدیگر متعهد می‌شوند، اعتقاد دارند که ازدواجشان پرسعادت و همراه با عشق و احترام متقابل خواهد بود. واقعیت این است که ازدواج موفق به خودی خود به دست نمی‌آید، بلکه نتیجه تلاشی سخت و بلوغ روحانی است. اکنون بیش از سی سال است که زوج‌ها را برای ازدواج آماده می‌سازم و مطالعه دقیقی بر روی عادات آنانی داشته‌ام که ازدواجشان موفقیت‌آمیز بوده است. اعتقاد من بر این است که هر احساسی که نسبت به موفقیت یا شکست ازدواجتان دارید، اگر شروع کنید به پیاده کردن این عادات روحانی، شاهد نیرو و شادی نوینی در رابطه‌تان خواهید بود.

با هم از خداوند بهره ببرید

رمز ازدواج سعادت‌مند، درک این حقیقت است که ازدواج مسیحی رابطه‌ای است سه‌طرفه. «اگر کسی بر یکی از ایشان حمله آورد، هر دو با او مقاومت خواهند نمود. و ریسمان سه‌لا بزودی گسیخته نمی‌شود» (جامعه ۱۲:۴). زمانی که زن و شوهر خداوند ما عیسی را در ستایش و پرستش بر می‌افرازند، خداوند خودش در آنجا حضور می‌یابد تا آرامش و شادی بیاورد. زن و شوهر هر چقدر به مسیح نزدیکتر باشند، به یکدیگر نیز نزدیکتر خواهند بود، و هر چقدر از خداوند دور شوند، فاصله‌شان نیز از یکدیگر بیشتر خواهد شد. اگر این حقیقت را درک کنیم، پی خواهیم برد که بهترین نیروی محافظ برای ازدواج، این است که با یکدیگر از خداوند بهره ببرند. کلام خدا ما را تشویق می‌کند که با یکدیگر از حضور خدا لذت ببریم: «به حضور تو کمال خوشی است» (مزمور ۱۱:۱۶). هر روز وقتی را صرف عبادت خداوند با یکدیگر بنمایید. با اختصاص دادن وقتی برای دعا با یکدیگر، با حمد به صحن‌های او داخل شوید. من و همسرم این را هدف خود

قرار داده‌ایم که هر روز را با دعا شروع کنیم و با دعا نیز خاتمه دهیم. با یکدیگر در جلسات کلیسا شرکت کنید و در کنار هم دل خود را در عبادت خدا برافرازید، و به این ترتیب، در عبادت جمعی نیز از حضورش لذت ببرید. من متوجه شده‌ام که بعد از هر عبادت، به همسرم نزدیکتر می‌شوم.

با یکدیگر از کلام خدا لذت ببرید! «شهادت تو را تا به ابد میراث خود ساختم زیرا که آنها شادمانی دل من است» (مزمور ۱۱۹:۱۱). وقتی در کلام خدا نکته‌ای را می‌خوانید که قلبتان را لمس می‌کند، آن را با همسر خود در میان بگذارید. الان سالهاست که من و همسرم می‌کوشیم یک بخش واحد از کلام خدا را در عبادت شخصی خود بخوانیم و آنچه را که خدا به ما گفته است، با هم در میان بگذاریم. کلام خدا شمشیر دو لبه است و اغلب قلب ما را می‌بُرد و ما را بر آن می‌دارد تا با هم در حضور خدا به گناهان خود اعتراف کنیم؛ اما این کار باعث می‌شود که به یکدیگر نزدیکتر شویم.



از کارهای خدا لذت ببرید! «زیرا که ای خداوند مرا به کارهای خودت شادمان ساخته‌ای. به سبب اعمال دستهای تو ترنم خواهم نمود» (اعمال ۴:۹۲). وقتی می‌بینید که خدا در زندگی یا خدمتتان عمل می‌کند، آن را با همسر خود در میان بگذارید. وقتی با یکدیگر دعا می‌کنید و از او می‌خواهید که به‌طور خاص در شما و از طریق شما کار کند، شهادت‌های بسیاری خواهید داشت که با یکدیگر در میان بگذارید. وقتی من مشغول موعظه هستم، همسر من اغلب برای من دعا می‌کند؛ و من وقتی کار خدا را می‌بینم، نمی‌توانم به او تلفن نکنم و این را به او نگویم؛ با این کار، شادی ما در خداوند عمیق‌تر می‌شود.

از حضور یکدیگر لذت ببرید

یکی از لذت‌های بزرگ در ازدواج این است که کشف کنید کسی هست که از بودن با شما لذت می‌برد. هیچگاه نمی‌توانم فراموش کنم چه شادی‌ای به من دست داد وقتی پی بردم که همسر من مرا دوست دارد و می‌خواهد با من وقت بگذراند. بدبختانه، با گذشت زمان، بسیاری از ازدواج‌ها به‌خاطر اینکه طرفین حضور یکدیگر را بدیهی می‌شمارند، طراوت خود را از دست می‌دهد. لذا امری اساسی است که ازدواجی سالم بماند و طرفین راههایی بیابند تا به یکدیگر بگویند که از بودن با یکدیگر شادند. هر زن و هر شوهری باید بداند که چه چیزی باعث می‌شود که طرف مقابل

احساس کند که فردی خاص است؛ به این منظور باید تشخیص دهند که «زبان عشق» طرف چیست و این زبان را به کار ببرند. متداول‌ترین «زبان عشق» این است که شخص عشق خود را با اختصاص دادن وقت به طرف مقابل، کمک کردن به او، هدیه دادن، یا ابراز محبت، نشان دهد. مشکل این است که ما برای ابراز عشق خود، از «زبان عشق» خودمان استفاده می‌کنیم و بعد تعجب می‌کنیم که چرا طرف مقابل متوجه تلاشهای ما نیست. مهم این است که کشف کنیم طرف مقابل ما چه نوع وسیله ارتباطی را ارزشمند می‌داند. وقتی «زبان عشق» یکدیگر را آموختید، آنگاه می‌توانید از ته دل با یکدیگر ارتباط برقرار کنید. نشانه ازدواج موفق، عمق شادی‌ای است که زن و شوهر در یکدیگر می‌یابند.

از خدمت مشترک به مسیح لذت ببرید

کسانی که ازدواجی موفق دارند، خود را در مرکز زندگی قرار نمی‌دهند، بلکه خدمت به دیگران را. با اینحال، باید مراقب بود که میان توجه به خویش و خدمت به دیگران از افراط و تفریط اجتناب شود و در این زمینه، تعادل برقرار باشد. این امکان هست که خدمت به دیگران آنقدر وقت زن یا شوهر را بگیرد که وظایف خانوادگی را مختل سازد. این خداوند را خرسند نمی‌سازد. اولویت‌های کتاب مقدس روشن است؛ اول خداوندگاری مسیح مطرح است، بعد خانواده، و بعد کلیسا، و سرانجام

جهان. وقتی زوجی خدا را در روابط خود

تکریم می‌کنند، سپس می‌توانند به دیگران برسند و با انگیزه‌های درست خدمت کنند. اما اگر خدمت به دیگران جایگزینی برای فقدان عشق در خانواده باشد، یا تلاشی باشد برای کسب احساس ارزش از طریق جلب تأیید دیگران، این امر ممکن است لطمه زیادی به زندگی بزند. وقتی می‌بینم که یکی از طرفین ازدواج به‌تنهایی خدمت می‌کند، متوجه می‌شوم که مشکلی در خانواده هست. شادی واقعی زمانی فرا می‌رسد که طرفین مشتاق باشند به اتفاق هم خدمت کنند زیرا به این ترتیب نشان می‌دهند که در ازدواجشان یگانگی روح برقرار است. وقتی به این سالهای طولانی از خدمت نگاه می‌کنم، پی می‌برم که یکی از بزرگترین شادیهایم این بوده که پستی، همسر، در کنار من بوده و از هیچ تلاشی برای کمک به من فروگذار نکرده است. خدمت کردن با یکدیگر، برای ما شادی بزرگی به‌همراه آورده است.

هر گاه مطلبی می‌خوانم که باعث برکت می‌شود، آن را با همسر من در میان می‌گذارم. برخی از بهترین اوقات ما زمانی بوده که کتابی را برایش خوانده‌ام و بعد در باره آن بحث کرده‌ایم. شما را تشویق می‌کنم که این مقاله کوچک را با همسرتان بخوانید و در باره مسائلی که می‌تواند به شما کمک کند تا شادی بیشتری وارد زندگی مشترکتان کنید، به بحث و تبادل نظر پردازید. ■

ثمردهی در زندگی و خدمت ما: درخت بلوط یا گل آفتابگردان؟!

نوشته گ. سولارز (ترجمه)

هر کس در خدمت خود!

همین «شکل‌ها و اندازه‌های مختلف» را در میان مسیحیان نیز مشاهده می‌کنیم. به عبارت روشنتر، ثمردهی ما مسیحیان نیز اشکال و اندازه‌های مختلف دارد. ما با زندگی‌ای که به ما عطا شده «چه می‌کنیم»؟ آن را چگونه «گسترش و اشاعه می‌دهیم»؟

بعضی از مسیحیان همانند گل آفتابگردان هستند. خیلی سریع رشد می‌کنند و در مقابل چشم هم قرار دارند. همه آنان را می‌بینند و جلب نظر می‌کنند. مردم را دور و بر خود جمع می‌کنند. در بشارت دادن به دوستانشان بسیار فعال‌اند؛ دائم مشغول انجام خدمات کلیسایی‌اند؛ پیوسته شهادتی دارند که بدهند؛ همه جا صحبت از ایشان است. دوره ثمردهی ایشان خیلی سریع فرا می‌رسد.

بعضی دیگر به سالها وقت نیاز دارند تا به مرحله ثمردهی برسند. در ظاهر چیز خاصی در زندگی‌شان اتفاق نمی‌افتد، اما ریشه‌هایشان در حال عمیق شدن است. این دسته از مسیحیان ممکن است به مسیحیان آفتابگردان نگاه کنند و از خود بپرسند: «چه اشکالی در من وجود دارد؟ به چه دردی می‌خورم؟»

ما معمولاً گرایش داریم فکر کنیم که مسیحیان ثمربخش و مفید انانی هستند

دوست دارید خدمتتان شبیه کدامیک باشد؟ شاید طرح این سؤال در همان سال اول نادرست باشد. صد سال دیگر باز به این باغ سر بزیند. نسل‌های متمادی از آن گل آفتابگردان بارها آمده‌اند و رفته‌اند، اما درخت بلوط تازه در آغاز حیات خود است و ریشه‌هایش عمیق‌تر می‌شود و ارتفاعش هم بلندتر. اگر طوفانی بیاید، استوار می‌ایستد، اما گل آفتابگردان نیاز دارد که به چوبی تکیه کند والا می‌افتد.

هر گیاهی در جای خود!

با اینحال، هم گل آفتابگردان و هم درخت بلوط جای خاص خود را در طرح آفرینش دارند؛ هر یک از آنها به شیوه خود مفید و ثمربخش است.

گل آفتابگردان و درخت بلوط را فقط به عنوان نمونه به کار بردیم. ثمردهی در طبیعت در اشکال و اندازه‌های گوناگون ظاهر می‌شود. برای مثال، دوره بارداری فیل ۱۸ ماه طول می‌کشد و فقط یک بچه به دنیا می‌آورد و از آن به دقت مراقبت می‌کند. اما بعضی از ماهیها میلیونها تخم می‌ریزند و آنها را به حال خود رها می‌کنند. برخی از گیاهان مناطق حاره هر ۱۰ سال یکبار شکوفه می‌کنند. از اینها چه چیزی می‌آموزیم؟ فکر می‌کنم لااقل دو نکته.

در یک روز پاییزی، باغبانی بذر گل آفتابگردان و دانه بلوطی گرفت و آنها را در باغ خود، کنار هم کاشت. در آغاز بهار، دو جوانه کوچک در کنار هم دیده می‌شد. دو ماه بعد، یکی از آنها ۲ متر بلند شده بود، اما آن دیگر، فقط ۲۰ سانتیمتر قد داشت با ۶ برگ! در اواسط تابستان، گل آفتابگردان به ۴ متر رسیده بود، اما نهال بلوط تغییر چندانی نکرده بود. زنبورها و حشرات دیگر دور گل آفتابگردان می‌چرخیدند، اما کسی توجهی به بلوط کوچولو نمی‌کرد.

در اوائل پاییز، گل آفتابگردان افتاد و باغبان آن را کند و برد و آن را بر روی حصار باغش آویخت. حشرات هنوز دور آن می‌چرخیدند با اینکه دیگر چیز چندانی برای تماشا نداشت. بلوط کوچولو آهی کشید و برگهایش را ریخت و رفت تا زمستان را در خواب بگذراند!

صد سال بعد!

به نظر شما کدامیک از این دو گیاه بزرگتر بود؟ گل آفتابگردان یا درخت بلوط؟ از نظر اندازه، گل آفتابگردان بزرگتر بود و هیجان بیشتری در بینندگان خود پدید می‌آورد. اما کدامیک از بزرگی واقعی برخوردار بود؟ دوست دارید زندگی شما مانند کدامیک باشد؟



که پرهیا هو می‌باشند و چیزهای زیادی در زندگی‌شان اتفاق می‌افتد و همه می‌توانند این اتفاقات را ببینند.

اما معمولاً به کسانی که مثلاً با وفاداری و ایثار دعا می‌کنند و سایرین را در دعا مورد پشتیبانی قرار می‌دهند، توجه نمی‌کنیم. بعضی هستند که کار زیادی «انجام نمی‌دهند»، با اینحال به خاطر شخصیتشان و جایگاهی که در آن قرار دارند، نشانه‌ای نبوتی هستند برای جهان. ایشان کار خاص دیگری دارند که انجام دهند، کاری که انجامش متفاوت است. شمعون و حنا که عیسای نوزاد را تهنیت گفتند، از این دست می‌باشند.

ثمردهی طبق طبیعت مان

نکته دیگری که می‌توانیم از ثمردهی در طبیعت بیاموزیم، این است که ثمردهی به‌طور طبیعی از طبیعت وجود ما جاری می‌شود.

تصور کنید که مثلاً نهال درخت بلوط به گل آفتاب‌گردان حسادت کند و بر آن شود که با یک میان‌بر، به رشد و بلوغ برسد و



پاسخی که دوست دارم بشنوم این است: «شبانم نمونه‌ای از زندگی مسیح‌گونه است!»

۳- تحت اقتدار مسیح زندگی کنید. «او را بر هر بشری قدرت داده‌ای» (آیه ۲). هر روزه خود را همچون قربانی زنده به خداوند تقدیم نمایید و تحت اقتدار کلامش زندگی کنید و به کلام خدا در زندگی خود اعتماد نمایید و آن را به دیگران نیز تعلیم دهید. به قدرت او تکیه کنید و در خداوند و قدرت نیرومند او قوی باشید. زمانی می‌توانید بیشترین تأثیر را بر دیگران بگذارید که برای سازش با گناه تحت فشار قرار داشته باشید

مقدار ثمردهی مهم نیست، خود نفس ثمردهی مهم است.

خشنودی خدا

وقتی باغبان اعظم، خدا، به باغ خود می‌آید، با دیدن گیاهان مختلف و ثمردهی باغش به وجد می‌آید.

دفعه بعد که گیاهانی را در باغ یا باغچه‌ای می‌بینید، به یاد آورید که خدا از وجود شما و نقشی که می‌توانید در ملکوت او در این جهان ایفا کنید، شاد است. هرگز نگویید: «من چه چیزی دارم که به خدا تقدیم کنم؟» خدا هر یک از ما را منحصر به فرد آفریده است؛ به همین جهت، کار خاصی هست که فقط شما می‌توانید انجام دهید.

و اگر روزی فرصت کردید که درختی را هرس کنید و گلی را تغذیه کنید، یا کسی را در حال انجام این کارها دیدید، به یاد آورید که خدا می‌خواهد شما را با حضور پرشکوهش و کلامش تغذیه کند. ■

آفتاب‌گردان شود. کار او نتیجه‌ای نخواهد داشت. انتظار این است که درخت سیب، سیب به‌بار بیاورد و گربه‌ها بچه‌گربه. هر کاری بکنم، نمی‌توانم سبب شوم که درخت سیب، انگور به‌بار بیاورد. اما «می‌توانم» با هرس کردن درخت سیب و تغذیه مناسب آن، کاری کنم که به بهترین وجه رشد کند.

خدا هر یک از ما را آنطور که هستیم آفریده است، با قابلیت‌ها و نقاط قوت و نقاط ضعف‌مان. آنچه او از ما انتظار دارد، این است که ثمرده و بارآور باشیم. برای ثمرده بودن، شاخه‌های اضافی را هرس کنید.

لازم است اولویت‌های نادرست را کنار بگذاریم و بدینسان درخت وجود خود را هرس کنیم. لازم است آن را با دعا و عبادت و تعمق و مطالعه کلام خدا تغذیه نماییم. اگر این کارها را که سهم ما است انجام دهیم، بقیه را خدا انجام خواهد داد. مثل برزگر را به یاد آورید! مسیح فرمود که تخمهایی که در زمین خوب افتادند، بعضی صد و بعضی شصت و بعضی سی برابر ثمر آوردند. هر کس بر حسب طبیعتی که خدا به او عطا کرده، ثمر می‌آورد.

پدر، مرا نزد خود جلال ده، به همان جلالی که قبل از آفرینش جهان نزد تو داشتم» (آیه ۵). عیسی به امید جلال نهایی زیست. امید مسیحی این است که به خصائل الهی به‌طور کامل اعتماد کند و به این اعتقاد داشته باشد که همه چیز برای تحقق اهداف او در کار است، و اینکه او را روبرو خواهیم دید و شبیه او خواهیم شد.

موفقیت رهبری مسیحی به این است که بینیم دیگران این حقایق را در زندگی ما مشاهده می‌کنند. شکی نیست که چیزی قدرتمندتر از زندگی‌ای نیست که کاملاً وقف مسیح شده باشد.

اما تصمیم بگیرید که امین باقی بمانید و قدرت خدا را در زندگی خود نمایان سازید. ۴- برای تحقق هدف خدا در زندگی خود زندگی کنید. «من بر روی زمین تو را جلال دادم و کاری را که به من سپردی تا بکنم، به کمال رسانیدم» (آیه ۴). هدف زندگی مسیحی این است که خدا را خشنود سازد و برای همیشه او را جلال دهد. هر چقدر در مسیح بیشتر رضایت بیابیم، به همان اندازه زندگی‌مان خدا را جلال خواهد داد. وقت خود را به دنبال کردن امور باطل این زندگی نگذارید، بلکه خود را وقف هدف الهی بسازید. ۵- با امید زندگی کنید! «و الان تو ای

اما تو سخنان شایسته تعلیم صحیح را بگو (تیطس ۱:۲)

آیا کتاب مقدس وسیله بشارتی است؟!

مقاله ششم: کاربرد صحیح کتاب مقدس

نوشته آرمان رشدی

یهود است. هیچیک از مردم عادی قوم اسرائیل، نیازی به آگاهی از محتوای کتاب لاویان و شرایع مربوط به قربانیها و طهارت نداشت. این امور را کاهنان به ایشان تعلیم می دادند و اوامر را در مورد ایشان به جا می آوردند.

نباید از یاد برد که تا یکصد سال پیش، مردم عادی از نعمت سواد بی بهره بودند. در ضمن، بر خلاف امروز که کتاب مقدس در دسترس همگان قرار دارد، تا ۵ قرن پیش، فقط طبقه روحانیون و نجبا می توانستند نسخه ای خطی از کتاب مقدس را در اختیار داشته باشند.

در عهد جدید، انجیل ها بیشتر وسیله ای بود در دست رهبران کلیسا برای موعظه و تعلیم به ایمانداران. برای مثال، لوقا انجیل خود را خطاب به شخصی عالی مقام می نویسد تا به او نشان دهد که تعلیمی که یافته است،



باشد که در اینصورت، بر اساس فهرست مطالب، فصل یا فصل های مورد نظر خود را می خواند.

کسی که کتاب مقدسی دریافت می کند بدون اینکه هیچگونه آشنایی با محتوای آن داشته باشد، او نیز شروع به مطالعه آن از ابتدایش می کند، یعنی از کتاب پیدایش. نیازی به توضیح نیست که بلافاصله با چه سؤالاتی مواجه می شود: خلقت ظرف شش روز، ماجرای پسران خدا و ازدواجشان با دختران آدمیان، کشتی گرفتن یعقوب با خدا و صدها سؤال دیگر، البته اگر بتواند اینقدر پیش برود!

کتاب مقدس برای چه کسانی نوشته شده؟

نکته دیگر این است که باید توجه داشته باشیم که کتاب مقدس در اصل خطاب به چه کسانی نوشته شده است.

همانطور که می دانیم، تورات موسی نه برای مردم عادی قوم اسرائیل، بلکه برای کاهنان و مشایخ قوم نوشته شد تا بتوانند بر اساس آن، قوم را در امور مذهبی و اجتماعی رهبری و هدایت کنند. برای مثال، به کتاب های خروج و لاویان و اعداد توجه کنید. محتوای این کتاب ها مختص کاهنان و لاویان و مشایخ

در این مقاله، به بررسی موضوع مهمی می پردازیم که نظر شخصی نویسنده و نتیجه مشاهدات او می باشد. احتمال زیاد دارد که همسنگران گرامی که این مطلب را می خوانند، نظری مخالف یا مکمل داشته باشند. در اینصورت، بسیار خوشوقت خواهیم شد که آن را دریافت کنیم و در مجله به انتشار برسانیم.

کتاب مقدس، وسیله بشارت

در قرن بیستم متداول شده که مسیحیان برای بشارت دادن، کتاب مقدس را میان مردم توزیع می کنند یا آن را به عنوان وسیله بشارتی به دوستان خود می دهند. سؤالی که مطرح می شود این است که آیا کتاب مقدس وسیله ای است برای بشارت دادن؟ آیا این کار درستی است؟ آیا شخصی که چیزی در باره مسیحیت نمی داند، می تواند با خواندن کتاب مقدس با پیام نجات مسیح آشنا شود؟ برای پاسخ به این سؤالات، لازم است به چند نکته توجه کنیم.

شما کتاب را

از کجایش می خوانید؟!

انسانی با شعور متعارف و عقل سلیم، معمولاً کتاب را از ابتدایش می خواند، مگر اینکه در کتابی خاص به دنبال مطلب مشخصی



درست است (لوقا ۱:۴). فقط در انجیل یوحنا است که می‌خوانیم هدف از نوشته شدن آن، این است که خواننده به مسیح ایمان بیاورد و حیات جاودانی بیابد (یوحنا ۲۰:۳۱).

به همین ترتیب، هیچیک از رسالات عهدجدید خطاب به بی‌ایمانان نوشته نشده است.

آیا مطالب کتاب مقدس

بشارتی است؟

پاسخ به این نکته را در بخش قبلی تا حد زیادی دریافت کردیم. در اینجا این نکته مهم باید یادآوری شود که تمامی کتاب‌های کتاب مقدس برای «جامعه خدا»، برای قوم خدا، و برای مردم خداترست نوشته شده است. کتاب مقدس شهادت‌نامه‌ای الهی است که به «قوم خدا» به ودیعت داده شده است؛ این «قوم خدا» در دوره پیش از مسیح، یهودیان بودند، و در دوره پس از مسیح، کلیسای خداوند است، از هر قوم و نژاد. به همین جهت، هیچیک از کتاب‌های آن به منظور ارشاد خدانشناسان و هدایت ایشان به ایمان نوشته نشده است. این امر خطیر بر عهده «قوم خدا» گذاشته شده بود. بشارت را «قوم خدا» می‌داد، نه کتاب!

بستر فرهنگی کتاب مقدس

کتاب مقدس از آغاز تا به انتها، در بستر فرهنگی خاصی نوشته شده که همانا بستر قوم عبرانی (بنی اسرائیل) و فرهنگ ایشان می‌باشد. این قوم آداب و رسوم خاصی داشتند که اگر از آنها آگاه باشیم، بسیاری از مطالب کتاب مقدس برایمان مبهم و نامفهوم خواهد بود. برای مثال، موضوع مالکیت سرزمین

اسرائیل از سوی قوم اسرائیل، مسأله‌ای بود خاص این قوم؛ ریشه آن نیز وعده‌ای بود که خدا به ابراهیم داده بود. هدف این وعده نیز مهیا ساختن راه برای ظهور مسیح موعود بود. بدون آگاهی از این بستر مذهبی و اعتقادی و فرهنگی، درک عهدعتیق ممکن نخواهد بود، چه برسد به عهدجدید.

از همه مهم‌تر، مسیح بودن عیسی ناصری امری است کاملاً یهودی. تا با اعتقادات مذهبی یهودیان (که عهدعتیق در رأس آن قرار دارد) و علت انتظار ایشان برای ظهور مسیح موعود آشنا نباشیم، تمام توضیحات مثلاً انجیل مرقس برای اثبات مسیح بودن او بی‌معنی می‌نماید. اما مردمان غیریهودی قرن اول (خاصه یونانیها و رومیها) با این اعتقادات و انتظارات تا حد زیادی آشنایی داشتند.

یا مثلاً انجیل متی می‌کوشد ثابت کند که عیسی ناصری همان پادشاه موعود یهودیان است. برای انسان قرن بیستم، برای مثال برای یک ایرانی، مقوله «پادشاه یهود» امری است ناآشنا. چنین شخصی اگر انجیل متی را بدون راهنمایی شخصی وارد بخواند، تا چه حد متوجه تمام تلاشهای متی خواهد شد؟

یا کدام غیرمسیحی می‌تواند اهمیت و پیام پاکسازی معبد به دست عیسی را درک کند؟ حتی اکثر ایمانداران عادی نیز نمی‌دانند عیسی با این کار خود، چه پیام واضح و دندان‌شکنی به سران یهود داد، پیامی که تحقق پیشگویی ملاکی بود (۱:۳) و بیانگر این بود که عیسی ناصری علناً ادعا کرد که همان «خداوند» و مسیحی‌های مذکور در این آیه است.

در این میان، تکلیف رسالات که دیگر روشن است. حتی خود ایمانداران نیاز دارند که تمام این امور را از معلمی وارد بیاموزند،

چه برسد به غیرمسیحیانی که مطلقاً با این مفاهیم و با این بستر مذهبی و فرهنگی آشنایی ندارند!

پس چه کنیم؟

با توجه به توضیحات فوق، گویا می‌توان به این نتیجه رسید که بهتر است برای بشارت دادن، کتاب مقدس کامل را در اختیار غیرمسیحیان قرار ندهیم، چون ممکن است در اکثر موارد نتیجه مطلوب حاصل نشود.

طبیعی است که طبق الگوی عهدجدید، بشارت دادن وظیفه‌ای است که بر عهده ایمانداران گذاشته شده. مسیحیان اولیه با توزیع عهدعتیق یا نوشته‌های انجیل بشارت نمی‌دادند، بلکه پیام مسیح را بر اساس اقتضاهای فرهنگی هر جامعه، به مردم آن اعلام می‌داشتند و به ایشان توضیح می‌دادند که عیسی ناصری که بود و چرا آمد و چه کرد! ایشان پیام را با قوت روح القدس اثبات می‌کردند (مرقس ۱۶:۲۰؛ عبرانیان ۲:۳-۴؛ اعمال ۸:۴-۸؛ ۲۶:۸-۴۰؛ ۱۷:۲-۳). این طبیعی‌ترین و مؤثرترین روش بشارت است.

حال اگر بر حسب ضرورت و اقتضای خاص روزگار ما، لازم باشد کتاب یا جزوه‌ای به شخص داده شود، بهتر است کتاب مقدس کامل در اختیار او گذارده نشود. بهتر آن است که یکی از انجیل‌ها، ترجیحاً انجیل لوقا یا انجیل یوحنا به او داده شود. اما بشارت و تماس شخصی نباید نادیده گرفته شود. هرگاه شخص مایل بود به مسیح ایمان آورد، آنگاه می‌توان او را با سایر کتاب‌های عهدجدید و عهدعتیق آشنا ساخت. مطالعه کتاب مقدس را کلیسا باید به ایماندار بیاموزد.

تأملاتی در زمینه انجیل‌ها

بخش اول

نوشته آرمان رشری

تعمید توسط یحیی (۳۷)؛ کارهای عیسی (۳۸-۳۹)؛ مصلوب شدن او (۳۹)؛ قیام او (۴۰-۴۱)؛ مقام خداوندی او (۴۲)؛ آموزش گناهان در اثر ایمان به او (۴۳).

مشابه همین «مینی انجیل» را پولس رسول نیز در اعمال ۱۳:۲۳-۴۰ ایراد فرمود؛ آن را در اول قرن‌تین ۱۵:۳-۵ و فیلیپیان ۲:۵-۱۱ نیز مشاهده می‌کنیم.

یک «طرح کلی»

این «پیام» بشارت رسولان بود. آیا دقت کردید که یک «طرح کلی» بر این پیامها حاکم بود؟ (تعمید یحیی - معجزات مسیح که دال بر مسیح بودن او بود - تصلیب او - قیام او - مقام او به‌عنوان مسیح و داور - لزوم توبه و بازگشت و تعمید).

اما این «پیامی» بود که رسولان برای بشارت به‌کار می‌بردند. ولی وقتی مردم ایمان می‌آوردند، چه تعلیمی به ایشان می‌دادند؟ قطعاً لازم بود ایشان با «کلام خداوند عیسی» آشنا شوند (اعمال ۱۹:۱۰). می‌توانیم اینگونه تجسم و



اما در روز پنطیکاست، پیام پطرس چه بود؟ او مژده ظهور مسیحی موعود را به چه شکلی به مردم اعلان نمود؟ بیاید با هم به موعظه پطرس رسول در اعمال ۲:۲۲-۲۵ و ۳۶-۳۹ نگاهی بیفکنیم. پیام پطرس یک «مینی انجیل» بود. او نخست به معجزات عیسی اشاره کرد (آیه ۲۲)؛ سپس اعلان کرد که او بر حسب اراده خدا مصلوب شد (آیه ۲۳)؛ اما خدا او را بر خیزانید (۲۴)؛ این عیسی را اکنون خدا سرور و مسیح ساخته است (۳۶)؛ پس مردم باید توبه و بازگشت کنند و تعمید گیرند تا آموزش گناهان را دریافت دارند (۳۸). انجیلی که پطرس موعظه کرد، شامل شرح بسیار کوتاهی از زندگی عیسی (معجزات) و مرگ و قیام او بود، و اینکه او اکنون خداوند و مسیح است و انسانها باید توبه کنند و به او ایمان آورند.

حال به موعظه دیگری از پطرس توجه کنید که باز یک «مینی انجیل» است اما کمی مفصل‌تر. این «مینی انجیل» در اعمال ۱۰:۳۴-۴۳ یافت می‌شود. پطرس پس از مقدمه‌ای کوتاه، «انجیل» را اعلام می‌دارد:

معمولاً سؤالات بسیاری در مورد انجیل‌ها طرح می‌شود. می‌پرسند چرا چهار انجیل؟ اگر انجیل‌ها زندگینامه عیسی مسیح است، چرا یک انجیل واحد وجود ندارد؟ چرا انجیل‌ها با هم تفاوت دارند؟ چرا برخی از قسمت‌های انجیل‌ها عیناً یکدیگر است؟ چرا سه انجیل متی و مرقس و لوقا مشابه‌اند و انجیل یوحنا اینقدر متفاوت؟ انجیل‌ها چگونه و کی نوشته شدند؟ و بسیاری از سؤالات دیگر.

برای اینکه کلاً با مسأله انجیل‌ها بیشتر آشنا شویم، شاید مناسب باشد همچون یک خبرنگار به قرن اول باز گردیم و ببینیم چه اوضاع و شرایطی سبب شد که انجیل‌ها به نگارش در آیند.

«مینی انجیل‌ها!»

به اورشلیم می‌رویم. خداوند عیسی به صلیب آویخته شد و قیام فرمود. روز پنطیکاست فرا رسید و چندین هزار نفر پیام پطرس رسول را پذیرفتند و ایمان آوردند که عیسی ناصری همان مسیح موعود بوده است.



تصور کنیم که ایشان معجزات و تعالیم و مثل‌های عیسی را با جزئیات و تفصیل کامل به ایمانداران می‌آموختند و به مناقشات او با علمای یهود اشاره می‌کردند و ماجرای شام آخر و رنج‌های عیسی و قیام او را تشریح می‌نمودند. قطعاً بارها و بارها این جزئیات را مورد موشکافی قرار می‌دادند و ایمانداران را تشویق می‌کردند که مطابق این تعالیم زندگی کنند.

اما می‌توان با قطع و یقین اینگونه تصور کرد که همزمان با اعلان و تعلیم «شفاهی» کارها و تعالیم و رنج و قیام عیسی، این جزئیات به شکل نوشته نیز در می‌آمد. دانشمندان عهدجدید معتقدند که تعالیم و معجزات عیسی نخست به شکل مقالات (اسناد) مستقل و منفرد نوشته شد و در دسترس کلیساها قرار گرفت تا بر اساس آنها ایمانداران را تعلیم دهند. شرح رنج و قیام عیسی نیز نوشته شد. به عبارت دیگر، پیش از آنکه مجموعه این تعالیم و «خاطرات رسولان» به شکل یک کتاب واحد (به‌نام انجیل) در آید، به صورت مقالات منفرد و مستقل وجود داشت.

اما ممکن است این سؤال پیش آید که رسولان چگونه ماجراها و تعالیم عیسی را دقیقاً به یاد می‌آوردند. اولاً باید توجه داشت که خداوند عیسی به احتمال قریب به یقین، مثل یا تعلیم خاصی را فقط یک بار بیان نمی‌کرد، بلکه آن را در دهات و شهرهای مختلف تکرار می‌کرد. به این ترتیب، رسولان می‌توانستند به راحتی آنها را به خاطر بسپارند. ثانیاً این احتمال هم هست که خداوند عیسی از آنها خواسته باشد که همانها را به مردم تعلیم دهند (زمانی که ایشان را برای موعظه نمودن

می‌فرستاد، متی ۷:۱۰؛ مرقس ۱۴:۳). ثالثاً مسیح فرمود که روح‌القدس گفته‌های او را به یاد ایشان خواهد آورد (یوحنا ۱۴:۲۶).

انجیل مرقس

دانشمندان عهدجدید اکثراً بر این عقیده‌اند که انجیل مرقس شکل موجز و خلاصه این مقالات است که آن «طرح کلی» را حفظ کرده است. انجیل مرقس همان مطالبی بود که عموماً برای موعظه و تعلیم به کار می‌رفت، مفید و مختصر. نگاهی سریع به انجیل مرقس بیندازید. بلافاصله متوجه حضور این طرح کلی می‌شوید: تعمد یحیی - معجزات عیسی - تصلیب و قیام او. می‌گویند مرقس انجیل خود را بر اساس این طرح کلی، از زبان پطرس رسول نوشت.

انجیل‌های متی و لوقا

گویا مرقس می‌خواست به همان «طرح کلی» اکتفا کند اما به شکلی مفصل‌تر. اما نیاز تعلیمی جوامع مختلف مسیحی در نقاط مختلف جهان، ایجاب می‌کرد که این «طرح کلی مفصل‌تر» از این هم مفصل‌تر شود و تعالیم و رویدادهای بیشتری را ارائه دهد. مثلاً اینکه عیسی چگونه به دنیا آمد؟ تعالیمش چه بود؟

این نیاز سبب شد که کتاب‌های دیگری با استفاده از «طرح مرقس» به علاوه آن مقالات مستقل و منفرد تهیه شود، مقالاتی که مرقس به‌خاطر هدف خاص خودش، از آنها استفاده نکرده بود. اما این کتاب‌ها کماکان همان «طرح کلی» مرقس را دنبال کردند. بدینسان انجیل‌های متی و لوقا به وجود آمد.

جالب است بدانیم که انجیل مرقس

تقریباً به‌طور کامل در متی و لوقا آمده است. متی علاوه بر تمام انجیل مرقس، مطالب اضافی خود را دارد و لوقا نیز علاوه بر مرقس، مطالب اضافه خود را. اما با قطع و یقین نمی‌توان گفت که آیا متی و لوقا عیناً از خود انجیل مرقس استفاده کردند یا از اسناد (یا مقالات) مشخصی که مرقس از آنها استفاده کرده بود.

به همین جهت است که سه انجیل متی و مرقس و لوقا را انجیل‌های هم‌دید (یا هم‌نظر) می‌خوانند، زیرا از طرح و مطالب مشابه استفاده کرده‌اند.

علت شباهت‌ها

به همین سبب است که در برخی موارد، جمله‌ای در هر سه انجیل عیناً بی‌پس و پیش تکرار شده است. با توجه به ساختار زبان یونانی، این امر مطلقاً نمی‌تواند تصادفی باشد؛ در زبان یونانی عهدجدید، فعل و فاعل و مفعول و متمم‌ها جای خاصی ندارند و این کلمات را در هر جای جمله قرار دهید، جمله به‌طور صحیح قابل درک می‌باشد. مثلاً در فارسی جای کلمات این جمله را نمی‌توان تغییر چندانی داد بدون آنکه مفهوم تغییر نکند: «دیروز من و برادرم برای دیدن فیلم به سینما رفتیم». اما در زبان یونانی عهدجدید، جای کلمات این جمله را هرطور تغییر دهید، همان مفهوم حاصل می‌شود؛ مثلاً می‌توانید بگویید: «برای سینما برادرم فیلم رفتیم و دیروز من دیدن!» لذا یک جمله واحد را می‌توان به گونه‌های مختلف بیان کرد بی‌آنکه معنایش تغییر کند. تقریباً محال است که متی و مرقس و لوقا، جمله‌ای را تصادفاً به یک شکل به کار برده باشند، مگر آنکه هر سه از یک مقاله یا



سند واحد استفاده کرده باشند، همان مقالات مستقل و منفردی که پیش از نگارش اولین انجیل وجود داشته است.

لوقا از مقالات و اسناد متفاوتی استفاده کرده‌اند و به‌هنگام این کار، آنها را با ترتیب و توالی مورد نیاز خود به کار برده‌اند.

علت تفاوت‌ها

اما همین امر، سبب تفاوت‌هایی است که در این سه انجیل می‌بینیم. برای مثال، انجیل متی شامل شرحی از تولد عیسی است که طبعاً در مرقس وجود ندارد (زیرا مرقس ماجرا را از تعمیم گرفتن عیسی شروع می‌کند) و با شرح تولد عیسی که در لوقا آمده نیز متفاوت است. مثال دیگر، موعظه بالای کوه عیسی است که در متی سه فصل را به خود اختصاص داده، اما در مرقس فقط اشاره‌ای به رفتن عیسی به بالای کوه شده (مرقس ۱۳:۳)، و در لوقا نیز این موعظه بسیار کوتاه‌تر و با تفاوت‌هایی ذکر شده است. دانشمندان معتقدند که متی و

انجیل یوحنا

اما در مورد انجیل یوحنا چه باید گفت؟ این انجیل «طرح کلی مرقس» را دنبال نمی‌کند و طرح خاص خود را دارد. باید توجه داشت که سه انجیل همیدید خدمات عیسی را در ایالت جلیل و مناطق اطراف آن شرح می‌دهند، آن هم بعد از دستگیری عیسی (مرقس ۱:۱۴ و متی ۴:۱۲)، و عیسی را فقط زمانی در ایالت یهودیه نشان می‌دهند که برای هفته آخر (هفته مقدس) به اورشلیم می‌رود.

نکته جالب دیگر این است که یوحنا به‌جز یک یا دو معجزه، به هیچیک از معجزات اناجیل همیدید اشاره نمی‌کند. تقریباً هیچیک از تعالیم اناجیل همیدید در یوحنا تکرار نشده. وقتی این انجیل را با انجیل‌های همیدید مقایسه می‌کنیم، احساس می‌کنیم که یوحنا آنها را در مقابل خود داشته، و فقط به ذکر مطالبی می‌پردازد که آن سه انجیل ذکر نکرده‌اند. حتی شرح شام آخر و رنجها و تصلیب و قیام او حاوی نکات جدیدی است. گویی یوحنا می‌خواسته آن سه انجیل را تکمیل می‌کند. در شماره آینده، به بررسی نکات دیگری در باره انجیل‌ها خواهیم پرداخت.

اما اکثر ماجراهای انجیل یوحنا در یهودیه و در اورشلیم واقع می‌شود. در ضمن، در انجیل یوحنا به خدماتی از عیسی اشاره شده که مربوط به دوره پیش از



کتاب مقدس کتاب داستان نیست که صرفاً با خواندن آن بتوان پیام واقعی آن را دریافت. شاید وسیله مناسب دیگر، دادن کتاب‌هایی باشد که پیام مسیحیت و کتاب مقدس را

به‌روشنی و به‌سادگی برای غیرمسیحیان توضیح می‌دهد. اما توصیه بنده این است که از توزیع کتاب مقدس به‌عنوان وسیله‌ای برای بشارت اجتناب شود. ولی همانطور که در آغاز ذکر

کردیم، این موضوع را برای بحث باز می‌گذاریم. اگر همسنگران عزیز نظر دیگری در این مورد دارند، خوشحال خواهیم شد که آن را در این مجله درج کنیم.

اعلانات: کنفرانس‌های تابستانی مخصوص رهبران

عبارتند از کشیش هویک یادگار، کشیش ایراج همتی، و کشیش تَت استیوآرت. کشیش هویک در باره شکوفاسازی مهارت‌های برقراری ارتباط تعلیم خواهند داد، کشیش ایرج نوایمانان را در زمینه شاگردی آموزش خواهند داد، و کشیش تَت به غیرمسیحیان و حق‌جویان شرکت‌کننده خدمت خواهند کرد. برای کسب اطلاعات بیشتر با برادر مسعود فروزنده در دانمارک با شماره زیر تماس حاصل فرمایید:

بیشتر، با انجمن آی.سی.آی. با این شماره تلفن تماس حاصل فرمایید: 10 596 00 719- +1

۱۱-۱۶ ژوئیه (جولای/یولی) ۲۰۰۴
«گروه تربیت رهبر» کنفرانسی مخصوص رهبران اسکاندیناوی و اروپا برگزار می‌کنند. این کنفرانس طوری برنامه‌ریزی شده که رهبران بتوانند اعضای کلیسای خود را به‌همراه بیاورند و کلاسهای مجزایی برای ایشان ترتیب داده خواهد شد. سخنرانان اصلی این کنفرانس

۲۶-۲۳ ژوئن (جون/یونی) ۲۰۰۴
مؤسسه «تعلیم» و «انجمن بین‌المللی مسیحیان ایرانی» (آی.سی.آی.) کنفرانسی مخصوص خادمین در کولورادو (آمریکا) برگزار می‌کنند. سخنرانان اصلی عبارتند از کشیش هرمز شریعت و کشیش تَت استیوآرت. کشیش هرمز در باره گسترش فعالیت‌های بشارتی در کلیساها، و کشیش تَت در باره ساخته شدن مرد خدا تعلیم خواهند داد. برای کسب اطلاعات